موضوع: علم حضوری و علم حصولی

ادای احترام به دانشمند شهید هسته ای، محسن فخری زاده

در آغاز به مقام شامخ دانشمند هسته ای شهید محسن فخری زاده رضوان الله تعالی علیه ادای احترام می کنیم و بر او درود می فرستیم. می دانیم که شهادت برای مردان و زنان با ایمان و پارسا مایه افتخار و سرافرازی است و برای دشمنان خون آشام که دستشان به خون پاک این شهیدان آغشته شده مایه سرافکندی و نشانه درنده خویی آنان است. امیدواریم با اراده منتقم خدای متعال و به دست توانای مجاهدان راه خدا همان گونه که مقام معظم رهبری در پیامشان فرمودند، عاملان و آمران این جنایت هر چه زودتر به سختی مجازات شوند. شکی نیست که شهادت در راه خدا علاوه بر اینکه مایه مباهات شهیدان و خانواده و وابستگان نسبی و مکتبی آنان است، عامل استمرار طریق حق نیز می باشد. امیدواریم خداوند منان این شهید سرافراز و دیگر شهیدان راه حق به ویژه شهیدان جمهوری اسلامی را با شهیدان کربلا محشور نماید. با نثار فاتحه ای به روان شهید فخری زاده و دیگر شهیدان بحث را آغاز می کنیم.

اصول و مبادی تصدیقات

بحثی که در این جلسه مطرح می شود مساله اصول و مبادی تصدیقات است. در گفتارهای پیشین درباره تصورات مباحثی مطرح شد از جمله اقسام تصورات که عبارت بودند از ادراکات خیالی، حسی و عقلی، و سپس بیان شد که ادراکات عقلی دارای سه قسم معقولات اولیه، معقولات ثانیه منطقی و معقولات ثانیه است. سپس به بررسی نقل و کارکرد معقولات ثانیه اعم از منطقی و فلسفی در معرفت شناسی پرداخته شد و بیان شد که چگونه می توان توسط این مفاهیم، مشکل و معمای شناخت را حل کرد.

اکنون در ادامه بحث درباره علم حصولی تصدیقی، آنچه مهم و جدی است این بحث است که معرفت های تصدیقی چگونه برای ذهن حاصل شده اند؟ آیا شالوده های معرفت های تصدیقی بدیهی اند یا تجربی و حسی اند؟ به عبارت دیگر آیا پسینی هستند یا پیشینی؟ در این باره دو دیدگاه مطرح شده است: عقل گرایان و تجربه گرایان. عقل گرایان، شالوده های تصدیقات را بدیهی می دانند، اما تجربه گرایان به اصول و مبادی فطری قائل نیستند و همه آنها را پسینی و بر آمده از مشاهده های تجربی حسی قلمداد می کنند.

شهید مطهری در جلد دوم «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، در مقاله پنجم با عنوان «پیدایش کثرت در ادراک»، به خوبی این بحث را بیان کرده است. ایشان می فرماید: «اختلاف نظر تعقلى و تجربى در لزوم تجربه يا تعقل نيست. نه منطق تعقلى تأثير عظيم و شگرف تجربه را در تحقيقات علمى منكر است و نه منطق تجربى تعقل و تفكر را كه عمل ذهن است لغو و بى‏ثمر مى‏داند. اختلاف در قوانين و مقياسهاى‏ اصلى تفكر و طرز عمل ذهن در تفكرات است. اساساً منطق يعنى علم «ميزان» و «مقياس». علماى منطق مى‏خواهند ميزان و مقياس اصلى صحت و سقم تفكرات را به دست بدهند. تجربيون مقياس اصلى را تجربه معرفى مى‏كنند و به وجود مقياس ديگرى قائل نيستند ولى تعقليون به يك سلسله اصول و مبادى عقلى مستقل از تجربه قائلند كه آنها را «ميزان» و «مقياس» و «آلت سنجش» اصلى تفكرات مى‏دانند. به عقيده تعقليون تجربه هر چند مقياس و آلت سنجش بسيارى از مسائل است ولى تجربه مقياس اولى نيست بلكه مقياس درجه دوم است يعنى يك سلسله مقياسهاى اصلى داريم كه بسيارى از مسائل و از آن جمله مقياس بودن تجربه را به وسيله آن مقياسهاى اصلى به دست آورده‏ايم».[[1]](#footnote-1)

بنابراین ما با دو دیدگاه مواجه هستیم: عقل گرایان و تجربه گرایان. عقل گرایان معتقدند که تصدیقات دو گونه اند: تصدیقات بدیهی و تصدیقات نظری. گونه اول تصدیقاتی هستند که عقل وقتی می خواهد درباره آنها حکم کند، نیازی به تفکر و استدلال ندارد، مانند: امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین؛ امتناع وجود دو جسم در یک مکان و یک زمان؛ امتناع یک جسم در یک زمان در دو مکان؛ مساوی بودن چند مقدار که با یک مقدار مساوی هستند؛ چیزی که حادث است علت و سبب می خواهد؛ اگر علت تامه وجود داشته باشد معلول قطعا وجود دارد؛ کل از جز خودش بزرگتر است. اینها همه احکام بدیهی است. در مقابل تصدیقات نظری است که برای حکم در آنها تفکر و استدلال لازم است، مانند: روح انسان مجرد از ماده است؛ زمین کروی است؛ حرکت علت و منشا حرارت است؛ تسلسل علل محال است؛ حرارت علت انبساط فلزات است؛ جسم مرکب از ماده و صورت است؛ وجود اصلی و ماهیت اعتباری است؛ جسم دارای حرکت جوهری است؛ ماده به انرژی تبدیل می شود. در این تصدیقات، برای اینکه عقل حکم کند، نیازمند تفکر و استدلال است.

در منطق برای بدیهیات شش قسم نام برده شده است:

1. اولیات: قضایایی که تصور موضوع و محمول کافی در حکم باشد، مانند اصل امتناع تناقض.
2. مشاهدات: آنچه با حواس مشاهده و ادراک می شود، مانند اینکه هوا روشن است، یا هوا گرم است. این مشاهدات دو گونه است: مشاهدات به حس ظاهر و مشاهدات به حس باطنی و یا علم حضوری که آنها را وجدانیات گویند.
3. فطریات: قضایایی که مانند اولیات، تصور موضوع و محمول در آنها در حکم کافی نیست و مانند مشاهدات یک واسطه حسی ندارد، بلکه نیازمند قیاس است، اما آن قیاس حاضر است و نیازی به احضار با فکر کردن ندارد، مانند اینکه عدد دو نصف عدد چهار است. اصطلاحا گفته می شود: «قضایا قیاساتها معها».
4. حدسیات: قضایایی که تصدیق در آنها دو واسطه می خورد: یکی مشاهده که و نوعا به صورت مکرر است. مانند اینکه از مشاهده نور ماه و رابطه آن با خورشید حکم می کنیم که نور ماه از خورشید است.
5. متواترات: قضایایی که در آن افرادی مطلبی را نقل می کنند، و آن افراد از نظر تعداد و شرایط مکانی و زمانی به گونه ای هستند که تبانی بر کذب یا خطا در آنها منتفی است. مانند وجود شهر مکه برای کسی که به آنجا نرفته است.
6. تجربیات: این قضایا نیز دو واسطه می خورد: یکی مشاهده های مکرر و دیگر قیاس پنهان، مانند «الاتفاقی لایکون دائمیا او اکثریا». مثلا آب را با حرارت در ظرف ها و مکان های مختلف مورد آزمایش قرار می دهند و می بینند که در صد درجه به جوش می آید. آن مشاهدات و آن قیاس پنهان منجر به این حکم می شود که آب در صد درجه به جوش می آید.

درباره اینکه آیا همه این اقسام بدیهی هستند یا نه، ملاحظاتی وجود دارد که انشاءالله در جلسه آینده دنبال می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. مجموعه آثار، شهید مطهری، ج6، ص 331- 332 [↑](#footnote-ref-1)